

# مستمری باننشستگان ۳۱ درصد خط فقر است

طرح اصلاحات پارامتریک با استدلال حذف بخشندگی‌های صندوق‌ها به میدان آمده و قصد دارد با افزایش سن و سابقه باننشستگی به جنگ بحران منابع - مصارف برود. اما در این بین، یک نکته کلیدی کوچک و جود دارد: برای قیاس «بخشندگی نظام‌های باننشستگی» اگر فقط معیار مان مقایسه سن و سابقه باننشستگی باشد، نعل وارونه زده ایم و یک طرفه به قضاوت نشستیم.



نسرین هزاره مقدم

در میانه بهمن‌ماه، طرحی بدون سروصدا در مجلس کلید خورد؛ طرحی که در صورت تصویب، باقیمانده امید کارگران برای دوران باننشستگی را جاروب می‌کند و با خود می‌برد.

«طرح اصلاحات پراسنج یا پارامتریک قانون تامین اجتماعی» در صدد است به بهانه حذف سخاوتمندی بیشمار نظام باننشستگی، برخی تسهیلات گری‌های باننشستگی را از میان بردارد. البته در ظاهر، هدف، نجات صندوق تامین اجتماعی از بحران روبه‌افزایش منابع - مصارف است اما بدون در نظر گرفتن این واقعیت که برای پیشگیری از بحران سازمان تامین اجتماعی، راهکارهای اصولی تر وجود دارد که همه این راه‌حل‌ها در قوانین بالادستی و برنامه‌های توسعه دیده شده، ادعای دولتی‌ها و نمایندگان مجلس که در مقام مقایسه نظام باننشستگی ایران با کشورهای توسعه‌یافته برمی‌آیند و سپس از این قیاس، نتیجه می‌گیرند که نظام باننشستگی ایران به شدت بخشنده و سخاوتمند و نیازمند اصلاحات ساختاری است، ایرادات و چالش‌های اساسی دارد.

طرح اصلاحات پارامتریک با استدلال حذف بخشندگی‌های صندوق‌ها به میدان آمده و قصد دارد با افزایش سن و سابقه باننشستگی به

جنگ بحران منابع - مصارف برود. اما در این بین، یک نکته کلیدی کوچک وجود دارد: برای قیاس «بخشندگی نظام‌های باننشستگی» اگر فقط معیار مان مقایسه سن و سابقه باننشستگی باشد، نعل وارونه زده ایم و یک طرفه به قضاوت نشستیم.

برای اینکه استدلالمان را روشن کنیم، بهتر است یکی از کشورهای جهان توسعه‌یافته و از قضا متعلق به بلوک سرمایه‌داری را برای قیاس انتخاب کنیم تا مشخص شود که استدلالات دولتی‌ها و نمایندگان مجلس در قیاسی که فقط سن باننشستگی را در نظر می‌گیرد، چقدر ناعادلانه و یک‌جانبه است.

در استرالیا، افراد بالاتر از ۶۵ سال که حداقل ۱۰ سال در این کشور زندگی کرده باشند حقوق باننشستگی دولتی را دریافت می‌کنند و قرار است این سن تا سال ۲۰۲۳ میلادی به ۶۷ سال برسد. این برای افرادی که حتی در ۵۵ سالگی وارد استرالیا می‌شوند، مزیتی مهم و برای جذب مهاجر است. در سال ۲۰۱۱ میلادی بالغ بر ۶۰ درصد از ساکنان این کشور شامل این طرح می‌شدند و حداقل دریافتی ماهانه آنها برابر با ۷۷۶۰ دلار استرالیا (یعنی ۳۹۲ پوند) بود. این مبلغ به سالمندان مجرد داده می‌شد و ۶۳۵ دلار استرالیا (برابر با ۳۲۰ پوند) برای خرید دارو به آنها پرداخت می‌شد. اما سالمندان متأهل هر یک ۵۸۵ دلار استرالیا

در ماه (معادل ۲۹۶ پوند) دریافت می‌کنند که مجموع دریافتی هر دو فرد خانواده به هزار و ۱۷۱ دلار استرالیا می‌رسد. از طرف دیگر افراد بالای ۶۰ سال در استرالیا می‌توانند از تخفیفات ویژه‌ای برای مسافرت‌های درون‌شهری و برون‌شهری برخوردار باشند و در خریدهای خرده‌فروشی هم امتیازهایی دریافت خواهند کرد.

از طرف دیگر سالمندانی که در استرالیا زندگی می‌کنند، طبق نظر سازمان‌های باننشستگی می‌توانند از خدمات مراقبت‌های خانگی یا مراقبت در مراکز نگهداری سالمندان هم برخوردار شوند. افراد بالاتر از ۶۵ سال در استرالیا می‌توانند درخواست استفاده از مراقبت‌های خانگی یا اسکان در مراکز نگهداری از سالمندان را بدهند. درخواست آنها بررسی می‌شود و در صورت تأیید توسط مقامات ذی‌ربط این خدمات به رایگان در اختیارشان قرار می‌گیرد.

به همین ترتیب، برای باننشستگانی که در کشورهای آلمان، نروژ، ژاپن و دیگر کشورهای بلوک غرب زندگی می‌کنند، همین خدمات، در سطوح مشابه ارائه می‌شود. درست است که در همه آنها سن باننشستگی بالاتر از ایران است اما اولاً خدمات درمانی، دارویی و نگهداری رایگان ارائه می‌شود و دوم اینکه مستمری دریافتی آنها بسیار بالاتر از خط فقر رسمی یا همان

**دولت موظف است برای باننشستگانی که ۳۰ سال خدمت کرده‌اند، رفاه همه‌جانبه فراهم کند. اگر بخواهند این اصل را زیر پا بگذارند و بر اصلاحات پیشنهادی اصرار بورزند، بحران‌های متعددی ایجاد می‌شود**

سید معیشت قرار دارد. بنابراین در نظر گرفتن «سن و سابقه» به عنوان تنها معیار مقایسه نظام‌های باننشستگی، صدها ناعادلانه است. پس بهتر است، در قیاس کارگران باننشسته ایرانی با هم‌تایان غربی‌شان، مولفه‌های دیگر شامل خدمات رفاهی و درمانی و همچنین سطح مستمری‌ها را در معادله وارد کنیم.

علی‌دهقان کیا، رئیس هیات مدیره کانون باننشستگان تهران بابت این نکته یک باننشسته در طول عمر خود، سه بار هزینه درمان کرده است اما متأسفانه در سنین کهنولت از خدمات درمانی رایگان محروم است، می‌گوید: یک بار موقع اشتغال ۳ درصد از حق بیمه را بابت درمان می‌پردازدم، یک بار در زمان باننشستگی ۲ درصد از مستمری بابت خدمات درمانی کسری می‌شود در نهایت باز مجبور می‌شویم برای بیمه تکمیلی

ثبت‌نام کنیم که خودش هزینه مضاعف است اما در مجموع، پس از صرف همه این هزینه‌ها، باز هم از خدمات درمانی مناسب و کیفی محروم هستیم. سوال اینجاست که در حالی که از هر باننشسته حداقل ۳۸ هزار و ۲۰۰ تومان بابت بیمه تکمیلی می‌گیرند و هرج و مرج زیادی در میزان اخذ فرانشیز وجود دارد، باننشسته از کجا بیچاره که هزینه‌های بیمه تکمیلی تا سقف ۱۵ میلیون تومان در عمل‌های جراحی و ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای درمان سرپایی را تامین کند؟ علاوه بر این، گاهی ماه‌ها طول می‌کشد تا بازنشسته بتواند هزینه رسیدهای درمان خود را از بیمه تکمیلی دریافت کند. این یعنی همان اول کار که برای درمان به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند، باید همه هزینه‌ها را از جیب بپردازند و در حالی که ۷۹ قلم دارو از پوشش بیمه در مراکز غیرملکی سازمان تامین اجتماعی با حکم شورای عالی بیمه حذف شده، باننشسته مستمری بگیر با درآمد حداقلی از کجا بیچاره که هزینه‌های کمر شکن این داروها را تامین کند؟ در مورد مستمری‌ها هم پایین بودن مستمری باننشستگان از خط فقر یا همان سید معیشت حداقلی واضح و آشکار است. طبق آمارهای رسمی، ۷۵ درصد کارگران باننشسته ایرانی، حداقل‌بگیر هستند یعنی حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان درآمد ماهانه دارند. سید معیشت حداقلی نیز که برای دستمزد ۹۸ محاسبه شده، ۳ میلیون و ۷۵۹ هزار تومان است. حال با یک محاسبه سرانگشتی ساده، مشخص می‌شود که ۷۵ درصد از کارگران باننشسته، مستمری‌شان فقط ۳۱ درصد خط فقر است؛ یعنی دریافتی‌شان فقط کفاف یک سوم هزینه‌های زندگی‌شان می‌دهد!

باید در نظر داشته باشیم که در این مقایسه، فقط دو معیار «سطح خدمات درمانی» و «نسبت مستمری به خط فقر» را در نظر گرفتیم و مولفه‌های دیگر مثل «سن واقعی باننشستگی» که ترجمان امید به زندگی است را کنار گذاشتیم. حال همان سوال اساسی دوباره مطرح می‌شود: با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها آیا می‌توان گفت نظام باننشستگی ایران زیادی «بخشنده» است؟ آیا می‌توان همه این واقعیت‌ها را کنار گذاشت و فقط با این استدلال خطی و یک‌جانبه که سن باننشستگی استرالیا ۶۷ سال است و در آلمان ۶۵ سال، ما هم ۵ سال به سن باننشستگی کارگران ایرانی بیافزاییم؟!

**طرحی که بحران ساز است علاوه بر همه این ایرادات، علیرضا مقدم، وکیل دادگستری با مبنای قرار**

دادن «قانون اساسی» در بررسی کلیت طرح اصلاحات پارامتریک، آن را از منظر حقوق سالمندی مردود می‌داند و می‌گوید: چنین طرح‌هایی نمی‌تواند بحران باننشستگی را در ایران مرتفع کند. متأسفانه به جای اینکه به مشکلات و چالش‌های اصلی نظام باننشستگی بپردازد، با این طرح‌هایی خواهند از خود سلب مسئولیت کنند. باید بدانیم که نظام باننشستگی ایران چندان بخشنده نیست و باننشستگان همان حق و حقوق ذخیره کرده توسط خودشان را بعد سال‌ها دریافت می‌کنند. ضمن اینکه باید قبول کنیم در زمینه خدمات حمایتی ارائه شده به باننشستگان، کمبودهای جدی وجود دارد. اگر این اصلاحات انجام شود، کمبودهایی بیشتر هم خواهد شد.

او تفسیری از اصلاحات را که در طرح اصلاحات پارامتریک قانون تامین اجتماعی متبلور شده، با روح قانون اساسی ناسازگار می‌داند و معتقد است: دولت موظف است برای باننشستگانی که ۳۰ سال خدمت کرده‌اند، رفاه همه‌جانبه فراهم کند. این اصل را اگر بخواهند زیر پا بگذارند و بر اصلاحات پیشنهادی اصرار بورزند، بحران‌های متعددی ایجاد می‌شود.

مقدم تأکید می‌کند: دولت‌ها باید مقایسه، فقط دو معیار «سطح خدمات درمانی» و «نسبت مستمری به خط فقر» را در نظر گرفتیم و مولفه‌های دیگر مثل «سن واقعی باننشستگی» که ترجمان امید به زندگی است را کنار گذاشتیم. حال همان سوال اساسی دوباره مطرح می‌شود: با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها آیا می‌توان گفت نظام باننشستگی ایران زیادی «بخشنده» است؟ آیا می‌توان همه این واقعیت‌ها را کنار گذاشت و فقط با این استدلال خطی و یک‌جانبه که سن باننشستگی استرالیا ۶۷ سال است و در آلمان ۶۵ سال، ما هم ۵ سال به سن باننشستگی کارگران ایرانی بیافزاییم؟!

**در نظر گرفتن سن و سابقه به عنوان تنها معیار مقایسه نظام‌های باننشستگی، صدها ناعادلانه است. بهتر است در قیاس باننشستگان ایرانی با هم‌تایان غربی‌شان، مولفه‌های دیگر شامل خدمات رفاهی و درمانی و سطح مستمری‌ها را در معادله وارد کنیم**

دادن «قانون اساسی» در بررسی کلیت طرح اصلاحات پارامتریک، آن را از منظر حقوق سالمندی مردود می‌داند و می‌گوید: چنین طرح‌هایی نمی‌تواند بحران باننشستگی را در ایران مرتفع کند. متأسفانه به جای اینکه به مشکلات و چالش‌های اصلی نظام باننشستگی بپردازد، با این طرح‌هایی خواهند از خود سلب مسئولیت کنند. باید بدانیم که نظام باننشستگی ایران چندان بخشنده نیست و باننشستگان همان حق و حقوق ذخیره کرده توسط خودشان را بعد سال‌ها دریافت می‌کنند. ضمن اینکه باید قبول کنیم در زمینه خدمات حمایتی ارائه شده به باننشستگان، کمبودهای جدی وجود دارد. اگر این اصلاحات انجام شود، کمبودهایی بیشتر هم خواهد شد.

او تفسیری از اصلاحات را که در طرح اصلاحات پارامتریک قانون تامین اجتماعی متبلور شده، با روح قانون اساسی ناسازگار می‌داند و معتقد است: دولت موظف است برای باننشستگانی که ۳۰ سال خدمت کرده‌اند، رفاه همه‌جانبه فراهم کند. این اصل را اگر بخواهند زیر پا بگذارند و بر اصلاحات پیشنهادی اصرار بورزند، بحران‌های متعددی ایجاد می‌شود.

مقدم تأکید می‌کند: دولت‌ها باید مقایسه، فقط دو معیار «سطح خدمات درمانی» و «نسبت مستمری به خط فقر» را در نظر گرفتیم و مولفه‌های دیگر مثل «سن واقعی باننشستگی» که ترجمان امید به زندگی است را کنار گذاشتیم. حال همان سوال اساسی دوباره مطرح می‌شود: با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها آیا می‌توان گفت نظام باننشستگی ایران زیادی «بخشنده» است؟ آیا می‌توان همه این واقعیت‌ها را کنار گذاشت و فقط با این استدلال خطی و یک‌جانبه که سن باننشستگی استرالیا ۶۷ سال است و در آلمان ۶۵ سال، ما هم ۵ سال به سن باننشستگی کارگران ایرانی بیافزاییم؟!

**طرحی که بحران ساز است علاوه بر همه این ایرادات، علیرضا مقدم، وکیل دادگستری با مبنای قرار**

دادن «قانون اساسی» در بررسی کلیت طرح اصلاحات پارامتریک، آن را از منظر حقوق سالمندی مردود می‌داند و می‌گوید: چنین طرح‌هایی نمی‌تواند بحران باننشستگی را در ایران مرتفع کند. متأسفانه به جای اینکه به مشکلات و چالش‌های اصلی نظام باننشستگی بپردازد، با این طرح‌هایی خواهند از خود سلب مسئولیت کنند. باید بدانیم که نظام باننشستگی ایران چندان بخشنده نیست و باننشستگان همان حق و حقوق ذخیره کرده توسط خودشان را بعد سال‌ها دریافت می‌کنند. ضمن اینکه باید قبول کنیم در زمینه خدمات حمایتی ارائه شده به باننشستگان، کمبودهای جدی وجود دارد. اگر این اصلاحات انجام شود، کمبودهایی بیشتر هم خواهد شد.

او تفسیری از اصلاحات را که در طرح اصلاحات پارامتریک قانون تامین اجتماعی متبلور شده، با روح قانون اساسی ناسازگار می‌داند و معتقد است: دولت موظف است برای باننشستگانی که ۳۰ سال خدمت کرده‌اند، رفاه همه‌جانبه فراهم کند. این اصل را اگر بخواهند زیر پا بگذارند و بر اصلاحات پیشنهادی اصرار بورزند، بحران‌های متعددی ایجاد می‌شود.

## اخبار کارگری

### کارگران مخابرات روستایی مدعی شدند: فشار کارفرما به کارگران برای امضای قرارداد‌های مشکل‌دار



کارگران مخابرات روستایی کشور می‌گویند: فشار‌های امضای قرارداد‌های فاقد مزایای قانونی شدت گرفته است. این در حالی است که مدیرعامل مخابرات مدعی است قرارداد‌های جدید با وجود همه مزایای مندرج در قانون کار هستند و فشاری در کار نیست. به گزارش ایلنا، به گفته نمایندگان جامعه کارگران مخابرات روستایی کشور، معاونت مالی شرکت مخابرات ایران به ناظرین مالی مناطق مخابرات استان‌ها اعلام کرده است مادامی که کارگران مخابرات روستایی قرارداد سالی را امضا نکنند، حقوقی پرداخت نخواهد شد.

نمایندگان کارگران مخابرات روستایی کشور می‌افزایند: با این اقدامات قصد دارند کارگران را مجبور به پذیرش قرارداد دادی کنند که دارای اشکالات حقوقی و فنی است تا از این مسیر بتوانند به اهداف خود در خصوص کم کردن هزینه‌های جاری شرکت، رسیدن به اصطلاح سودآوری شرکت را افزایش دهند.

مجید صدیقی، مدیرعامل شرکت مخابرات ایران در این رابطه می‌گوید: هیچ فشاری در کار نیست. ما چون حکم دیوان عدالت مبنی بر لزوم دائمی شدن کارگران مخابرات روستایی صادر شده، قرارداد‌هایی را تنظیم و به کارگران ارائه کردیم.

او در پاسخ به این سوال که اگر قرارداد را امضا نکنند، چه خواهد شد، گفت: بر اساس ضوابط شغلی، قرارداد باید امضا شود. اگر امضا نکنند، هم برای آنها مشکل پیش می‌آید و هم برای مجموعه مخابرات.

**امدادسانی متفاوت کارگران هیکو به سیل زدگان پلدختر**  
کارگران هیکو برای امدادسانی به مناطق سیل‌زده اقداماتی چون تعمیرات ماشین سنگین تا پمپ تخلیه گل و لای و تعمیر لوازم منزل انجام داده‌اند. به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران شرکت تولید تجهیزات سنگین هیکو برای امدادسانی به سیل‌زدگان در پلدختر حاضر شده‌اند. این کارگران، تیم‌های حدوداً ۳۰ نفره تشکیل داده‌اند که عمدتاً کار تعمیرات ماشین سنگین را انجام می‌دهند. کارگران به تعمیر ماشین‌های سنگینی چون گریدر، بولدوزر و بیل مکانیکی که بیشترین کاربرد در سیل‌خیز کشور داشته و در حین کار خراب می‌شود، پرداختند. در عین حال تعدادی جوشکار، برق‌کار و کارگرانی از واحد تاسیسات شرکت هیکو اقداماتی برای تعمیر لوازم منزل انجام داده‌اند. همچنین بمب‌پهای جهت تخلیه گل و لای منازل باندکی تغییر کاربری که کارگران روی پمپ‌های شرکت انجام دادند، به مناطق سیل‌زده اعزام شده است که در پاکسازی منازل سیل‌زدگان اثرگذار بوده است.

**بیکاری احتمالی ۶۰۰ کارگر تکاچوب**  
پایان قرارداد حفاظت از جنگل سازمان جنگل‌های کشور و عدم تمدید آن با شرکت تکاچوب موجب بیکاری حدود ۶۰۰ کارگر افزاهم می‌کند. این مساله موجب به خطر افتادن امنیت شغلی کارگران این شرکت شده است.

به گزارش ایلنا، عده‌ای از کارگران شرکت تکاچوب، واقع در شهرستان میان‌دورود استان مازندران به شرایط وخیمی که به لحاظ در خطر قرار گرفتن امنیت شغلی‌شان به وجود آمده، اشاره کردند و اظهار داشتند: با توجه به اینکه سازمان جنگل‌های کشور قراردادش را با ما تمدید نکرده، مدیریت شرکت به ما اعلام کرد که از یک‌بار دیدهبخت دیگر سر کار نیاییم چرا که نه چوبی برای شرکت می‌آید و نه قرارداد حفاظتی تمدید شده و درآمدهای شرکت قطع می‌شود. بنابراین، شرکت به طور کامل تعطیل می‌شود. وی افزود: بیش از ۶۰۰ نفر در این شرکت به طور مستقیم مشغول به کار هستند که از این میان حدود ۵۰۰ نفر در جنگل‌ها به حفاظت از درختان می‌پردازند و بقیه نیز در محل شرکت و در کارخانه‌های اشتغال به کار دارند. جذا، اینها، در زمان فعالیت، حدود دو هزار نفر به شکل‌های مختلف در آمدشان مرتبط به تکاچوب است. این کارگر خاطر نشان ساخت: اگر این قرارداد تمدید نشود، فقط کارگران این شرکت بلکه کارگران شرکت‌های دیگری که فعالیت مشابه دارند و جمعیت آنها به چندین هزار نفر می‌رسد، از کار بیکار می‌شوند.

## خبر

نماینده شوش در مجلس:

### خوزستان روی نفت است، اما بیکاری بومی‌ها یاد می‌کند

نماینده شوش در مجلس شورای اسلامی از بی‌توجهی به استخدام نیروهای بومی در پروژه‌های نفتی ابراز تأسف کرد و گفت: وقتی مردم از صنعت نفت ناامید شدند، به کشاورزی روی آوردند. حال تصور کنید که این مردم ناامید زمین را شخم بزنند و هر روز به رشد خورشه‌های گندم نگاه کنند و هنگامی که زمان برداشت نزدیک می‌شود، یک‌بار همه چیز را آب ببرد. دیگر چه امیدی باقی می‌ماند؟

سیدراضی نوری با تأکید بر اینکه باید برای اشتغال‌زایی در بخش‌های کشاورزی و صنعت برنامه‌ریزی‌هایی صورت بگیرد، به ایلنا گفت: متأسفانه یک‌سری حوادث غیر طبیعی مانند زلزله و سیل باعث می‌شود زمین‌های کشاورزی از بین برود و کارخانه‌ها نابود شود. وی با تأکید بر اینکه سیل خوزستان قابل پیشگیری بود، گفت: شاید به‌ظاهر

تعداد کشته‌شدگان سیل بالا نباشد ولی وقتی کشاورزان با چشم خود می‌بینند که محصولاتشان را آب می‌برد، روزی صدا بار آرزوی مرگ می‌کنند. عضو کمیسیون کشاورزی با اعلام اینکه امسال کشاورزی در خوزستان بهترین خوشه‌ها را داشت، گفت: سال گذشته هوا زیاد گرم نشد و بارش‌های خوبی داشتیم و کشاورزان در انتظار سال پررنتی بودند ولی وقتی حادثه و نحوه مدیریت آن پیش‌بینی نمی‌شود، کشاورز همه چیزش را از دست می‌دهد و امید تبدیل به یوزه می‌شود. وی با اشاره به اینکه خوزستان به ویژه شوش دانیال رتبه اول کشت گندم را در کشور دارد، گفت: شوش دانیال در سال بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تن گندم تولید می‌کند که با چند استان برابری می‌کند اما کشاورزی که منتظر بود طرف کمتر از یک ماه گندم‌ها را برداشت کند، با

چشم‌اشک‌بار شاهد زیر آب رفتن گندم‌هایش بود. نوری از تأثیرات منفی سیل بر روح و روان مردم خبر داد و گفت: سال ۹۵ هم در استان خوزستان سیل آمد و حدود ۱۷ هزار زمین کشاورزی را زیر آب برد. دولت‌مردان آن موقع به کشاورزان قول دادند که خسارت‌ها را جبران کنند اما یک‌ریال به مردم ندادند و این بدقولی‌های دولت باعث بی‌اعتمادی به دولت می‌شود. وی با اعلام اینکه این سیل مدت‌ها مهمان ماست و تبعات آن را باید تحمل کنیم، گفت: اگر دولت می‌خواهد برای جبران هزینه‌های امسال به کشاورزان و مردم سیل‌زده قول بدهد، بهتر است ابتدا هزینه‌های خسارت سیل سال ۹۵ را به کشاورزان خوزستانی بدهد تا مردم امیدوار باشند که دو سال دیگر هم هزینه سیل سال ۹۸



را از دولت می‌گیرند. نماینده شوش، ماندگاری سیل را باعث خراب شدن محصول دانست و گفت: اگر یک یا دو روز محصول زیر آب بماند احتمال برگشت محصول را می‌دهیم اما وقتی محصول یک‌ماه زیر آب بماند، امید مردم نیز مانند خوشه گندم در زیر آب می‌پوسد و از بین می‌رود. وی درباره وضعیت کارخانه‌های استان نیز گفت: دستگاه‌ها، محصولات، ساختمان‌ها و سوله‌ها زیر آب رفته و بسیاری از آنها را نابود کرده